سعیدی رضوانی، محمود؛ محمدحسین‌زاده، معصومه؛ باغگلی، حسین. (۱۳۸۹). سرنوشت شغلی فارغ التحصیلان دانشکده علوم‌تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۱ (۲)، ۸۶ – ۵۷.

سرنوشت شغلی فارغ التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

محمود سعیدی رضوانی [۱]– معصومه محمد حسین زاده [۲]– حسین باغگلی [۳]

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۲۲

چکیده

مقاله حاضر به موضوع سرنوشت شغلی فارغ التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد و عوامل مرتبط با آن پرداخته است. در این پژوهش، از دو پرسشنامه تلفنی و پستی استفاده شد (۱۵۷ نفر به پرسشنامه تلفنی و ۱۲۹ نفر به پرسشنامه پستی پاسخ دادند). نتایج حاکی از شاغل بودن حدود ۶۴ ٪ افراد است. نکته مهم آن است که بیش از ۵۰٪ افراد از طریق آزمون‌های استخدامی دولتی، مشغول به کار شده‌اند. این مسأله نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی و تصمیم‌سازی‌های مجلس و دولت تا چه حدی می‌تواند سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی را تحت تأثیر قرار دهد. بررسی تاثیر عامل جنسیت، رشته تحصیلی، داشتن کار دانشجویی و عضویت در تشکل‌های دانشجویی، بر روی اشتغال فارغ‌التحصیلان، تفاوت-هایی را در میزان اشتغال، احساس ثبات شغلی و دارا بودن شغل ثابت به نفع پسران، رشته روان‌شناسی، افراد دارای کار دانشجویی و افراد فعال در تشکل‌های دانشجویی نشان می‌دهد و برخی متغیرها (مانند نوع دیپلم، انگیزه ورود به دوره کارشناسی و ...) تفاوتی را ایجاد نکرده‌اند. فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی از شرایط اجتماعی مرتبط با کار، ارزیابی خوبی نداشته‌اند؛ به طوری که از نظر اکثریت مطلق این افراد، شانس و داشتن ارتباطات اجتماعی، مهمتر از "مهارت داشتن" ارزیابی شده است. فارغ التحصیلان مذکور زمینه‌سازی دانشگاه، در جهت اشتغال را کاملاً منفی ترسیم می‌نمایند؛ به‌گونه‌ای که اکثریت مطلق افراد ابراز می‌دارند که مقدمات آشنایی با نیازهای بازار کار و سایر موارد لازم، ابداً در دانشگاه فراهم نبوده است.

واژه‌های کلیدی: *اشتغال، فارغ التحصیلان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد*

---

[۱]. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد saeedy@um.ac.ir

[۲]. دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

[۳]. دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

یکی از رسالت‌های مهم آموزش عالی، تربیت نیروی متخصص و متعهد است، چرا که نیروی متخصص و کارآمد در توسعه هر کشوری نقش اساسی ایفا می‌کند. لذا ایجاد اشتغال و استفاده از خدمات آن، بایستی در زمره مشغولیت‌های مهم هر سیستم آموزش عالی باشد تا بتواند با استفاده مناسب از این سرمایه بی‌بدیل و سرنوشت‌ساز، کشور را به سمت توسعه روز افزون سوق دهد. آهنچیان (۳۷۷:۱۳۸۲) بیان می‌دارد: اشتغال دانش‌آموختگان مراکز آموزش عالی یکی از شاخص‌های مهم برای ارزشیابی درجه اثربخشی آنهاست؛ همچنان که اتحادیه بین‌المللی دانشگاه‌ها (IAI) نیز بر این امر تاکید می‌کند. همچنین صاحب‌نظران مختلفی بر نقش محوری دانشگاه‌ها در اشتغال، ارائه آموزش‌های شغلی و به‌ویژه آموزش‌های مهارت‌های کارآفرینی تأکید ورزیده‌اند. به عنوان نمونه آیز[1]، ولاسیچ و واتسون(۲۰۰۲: ۴۶۷) بر این مساله تاکید می‌ورزند که امروزه آموزش‌های مربوط به فناوری‌های جدید اطلاعاتی و سیستم‌های اطلاعاتی به عنوان یکی از مهارت‌های مهم شغلی بایستی بخش مهمی از هسته اصلی برنامه درسی مربوط به آموزش‌های شغلی را در رشته‌های مختلف تشکیل بدهد. بریسی[2] (۲۰۰۶: ۲۴) اشاره می‌کندکه در نظرسنجی‌های انجام شده در خصوص فهرست مطلوب‌ترین ویژگی‌های لازم برای یک مستخدم، عملکرد و نمرات تحصیلی بالای افراد در مقایسه با مهارت‌های کارآفرینی و نگرش‌های کاری، رتبه پایینی را به دست آورد. مطالعه‌ی هایمن[3] (۲۰۰۶) نشان داد که از نظر اعضای هیات علمی مهارت‌های مدیریتی، شناختی، ارتباطی و مهارت‌های فردی، یک ساختار مناسب برای مهارت‌های شغلی محسوب می‌شود که می‌تواند به‌عنوان یک چهارچوب کاری و یک راهنمای مناسب در زمینه تربیت و ارزیابی دانشجویان در دانشگاه باشد و دانشگاه‌ها بایستی تلاش کنند که این مهارت‌ها را در افراد توسعه دهند. تاتیلا[4] (۴۸:۲۰۱۰) می‌نویسد که تربیت فارغ‌التحصیلان کارآفرین در آموزش عالی یک ضرورت است. بدریا سنتیاگا[5] (۲۰۰۸) به تحلیل و بررسی فرایند انتقال شرکت کنندگان آموزش‌های شغلی به بازارکار و شغل می‌پردازد. یافته‌های او نشان داد که آموزش‌های شغلی در موفقیتِ افراد تحصیل کرده موثر بوده است. از نظر همرلینک و امری[6] (۲۰۰۶ :۲-۱) امروزه آموزش عالی نقش مهمی در بازارکار ایفا می‌کند و پرورش مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان می‌تواند نقش عمده‌ای در رسیدن به این ماموریت داشته

1. Ives,Valacich, Watson
2. Bracey
3. Hyman
4. Taatila
5. Budría, Santiago
6. Hamerlinck

باشد.کرناسیاز[1] ، پاسارزکیز، میتسوپلوس و کریستودلو(۲۰۰۶: ۴۳) به بررسی ابعاد و مسائل مختلف درخصوص کارآفرینی جوانان در موسسات آموزش عالی یونان می‌پردازد و بر نقش مهم کارآفرینی در شاخص‌های مختلف اقتصادی بویژه، رشد، توسعه و اشتغال تاکید می‌کند. براساس گزارش گروه متخصصان[2] موفقیت در زمینه اشتغال، نیازمند تحریکِ طرز تفکر کارآفرینی در جوانان، تشویق کسب و کارهای نوآورانه، ترویج فرهنگ کارآفرینی و رشد کسب و کارهای کوچک است (۱۰:۲۰۰۸).

صالحی عمران (۴۲:۱۳۸۵)، مسئله اشتغال دانش‌آموختگان را طی سال‌های اخیر در ایران به‌عنوان یکی از چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در زمره مهمترین تهدیدهای امنیت و توسعه ملی مطرح می‌کند. وی یکی از مولفه‌های مهم برای قضاوت درباره کارایی داخلی و خارجی آموزش عالی را کیفیت آموزش نیروی انسانی در هماهنگی با نیازها و تغییرات بازار کار می‌داند. بدین سبب جوادی (۲۴:۱۳۸۱) آگاهی از وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها را به منظور جهت‌یابی‌های آینده ضروری می‌داند. بنابراین مطالعه در زمینه‌های اشتغال و تعیین سرنوشت شغلی دانش‌آموختگان و عوامل موثر بر آن اقدام مفیدی در این زمینه محسوب می‌شود و این مطالعه می‌تواند پاسخگوی این سوال باشد که *آیا بازده و محصول یک نظام آموزشی با رسالت و اهداف آن هماهنگی داشته و پاسخ‌گوی نیاز جامعه بوده است یا خیر؟* لذا مطالعات پی‌گیری سرنوشت شغلی دانش آموختگان در هر رشته‌ای و تبیین عوامل موثر بر آن از اولویت‌های پژوهشی در آن رشته محسوب می‌شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در زمینه توصیف وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. به عنوان نمونه؛ یافته‌های محمدزاده (۱۷۳:۱۳۸۵) نشان داد که ۴۰٪ دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی دانشگاه‌های علمی و کاربردی بیکار هستند. ۳۲٪ به صورت پاره وقت شاغل شده‌اند. ۱۲٪ دارای شغل تمام وقت هستند و ۱۳٪ در حال ادامه تحصیل می‌باشند. همچنین ۷۸٪ در بخش کشاورزی و مابقی در رشته‌های غیرمرتبط شاغل شده‌اند. یافته‌های نیکخواه (۱۶۱:۱۳۸۳-۱۶۳) نشان داد که میزان اشتغال فارغ التحصیلان آموزش متوسط فنی و حرفه‌ای شهرکرد در حدود ۲۵٪ بوده است. ۲۴٪ دانش‌آموختگان در حال ادامه تحصیل و ۵۱٪ بیکار، خانه‌دار، سرباز و ... بوده‌اند و از میان شاغلان؛ میزان اشتغالِ مرتبط ۴۷٪ بوده است. همچنین ۷۰٪ شاغلان مشاغل آزاد و ۳۰٪ مشاغل دولتی داشته‌اند. حدود ۶۵٪ از شاغلان دولتی در استخدام رسمی دولت و ۳۵٪ به صورت پاره وقت و قراردادی بوده‌اند. نتایج پژوهشِ صالحی عمران (۴۱:۱۳۸۵) نشان داد که ۵۷٪ از دانش‌آموختگان زن دانشگاه مازندران در رشته‌های

---

[1]. Karanassios
[2]. Expert group

مختلف تحصیلی به کار مشغول هستند و ۴۳٪ آنها قادر به پیدا کردن شغل خاصی نبوده‌اند. از شاغلان، ۶۲٪ در بخش دولتی و ۳۴٪ در بخش خصوصی مشغول بودند و تنها ۳٪ از شاغلان مطرح کرده‌اند که نوع اشتغال آنان به صورت خود اشتغالی بوده است. ضمناً از نظر نوع اشتغال در بخش‌های مختلف، ۵۶٪ در بخش خدمات، ۳۲٪ در بخش صنعت و ۱۰٪ در بخش کشاورزی مشغول به کار بودند. نتایج ملکوتیان و پرورش (۳۳:۱۳۸۲) نشان داد که درصد عمده‌ای از دانش‌آموختگان مقطع کاردانی و کارشناسی رشته بهداشت محیط سراسر کشور بیکار می‌باشند. نتایج پورحقیقی‌زاده و خادمی (۱۳۳:۱۳۸۳) حاکی از این است که بیش از ۹۵٪ دانش‌آموختگان رشته مدیریت آموزشی جذب بازار کار شده‌اند، که بیش از ۹۰٪ شاغل در آموزش و پرورش و تعداد بسیار کمی در سازمان‌های دیگر شاغل یا بیکارند.

پژوهش‌های متعددی نیز به تبیین علل اشتغال یا عدم اشتغال فارغ التحصیلان پرداخته‌اند. با نظر به تعداد قابل توجه گزارش‌های مربوط، ذیلاً عوامل مورد اشاره هر یک از آنان، در قالب زیر سازمان یافته است:

جدول شماره ۱: عوامل مورد توجه در پژوهش‌های مرتبط با سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان

موضوع	عوامل مرتبط با موضوع	صاحب‌نظران یا پژوهشگران
عوامل زمینه‌ای	طبقه اجتماعی، محل زندگی و تحصیل، سکونت در خوابگاه، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، سن، جنس، معدل، وضعیت تاهل، طریقه کاریابی.	لطفی‌پور (۱۳۸۴) - سمنانی (۱۳۷۹) - دینانی (۱۳۸۰) - نصرآبادی (۱۳۸۳-۱۳۸۵) - حسینیان (۱۳۸۶) - قاضی‌زاده (۱۳۷۹)- شبانی (۱۳۷۹)- زرتشتیان (۱۳۷۸) - شبگو منصف (۱۳۸۲) - نیکخواه (۱۳۸۳) — قوامی (۱۳۸۷) — ایزدی (۱۳۸۳) - تبرایی (۱۳۸۵) - صالحی عمران (۱۳۸۵).
توانایی‌ها	توانایی حل مسئله، تلاش فردی، آشنایی با قوانین کسب و کار، دانش و مهارت تخصصی، فرهنگ و اعتقادات مربوط به کار، مهارت‌های مصاحبه شغلی و تدوین طرح شغل، مهارت‌های کاریابی، مسئولیت‌پذیری، علاقه به رشته تحصیلی، عزت نفس و انگیزه پیشرفت، ارتباطات اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی، توفیق طلبی، خلاقیت، مهارت‌ها و توانایی‌های	خواجه شاه‌کوهی (۱۳۸۴) - قدیمی مقدم (۱۳۷۸) - لطفی پور (۱۳۸۴)- اداره آموزش و پژوهش سازمان آموزش فنی و حرفه ای (۱۳۷۸)- حاجی یخچالی (۱۳۸۳) - نجفی (۱۳۸۳) - احمدی (۱۳۸۳) - قضاوی (۱۳۸۵) — سرکارائی (۱۳۸۰) - صیافی(۱۳۸۰)- پورکریمی (۱۳۸۸) —کریمی (۱۳۸۰) - حجازی (۱۳۸۶) - تبرایی (۱۳۸۵)- میرکمالی (۱۳۸۳) -

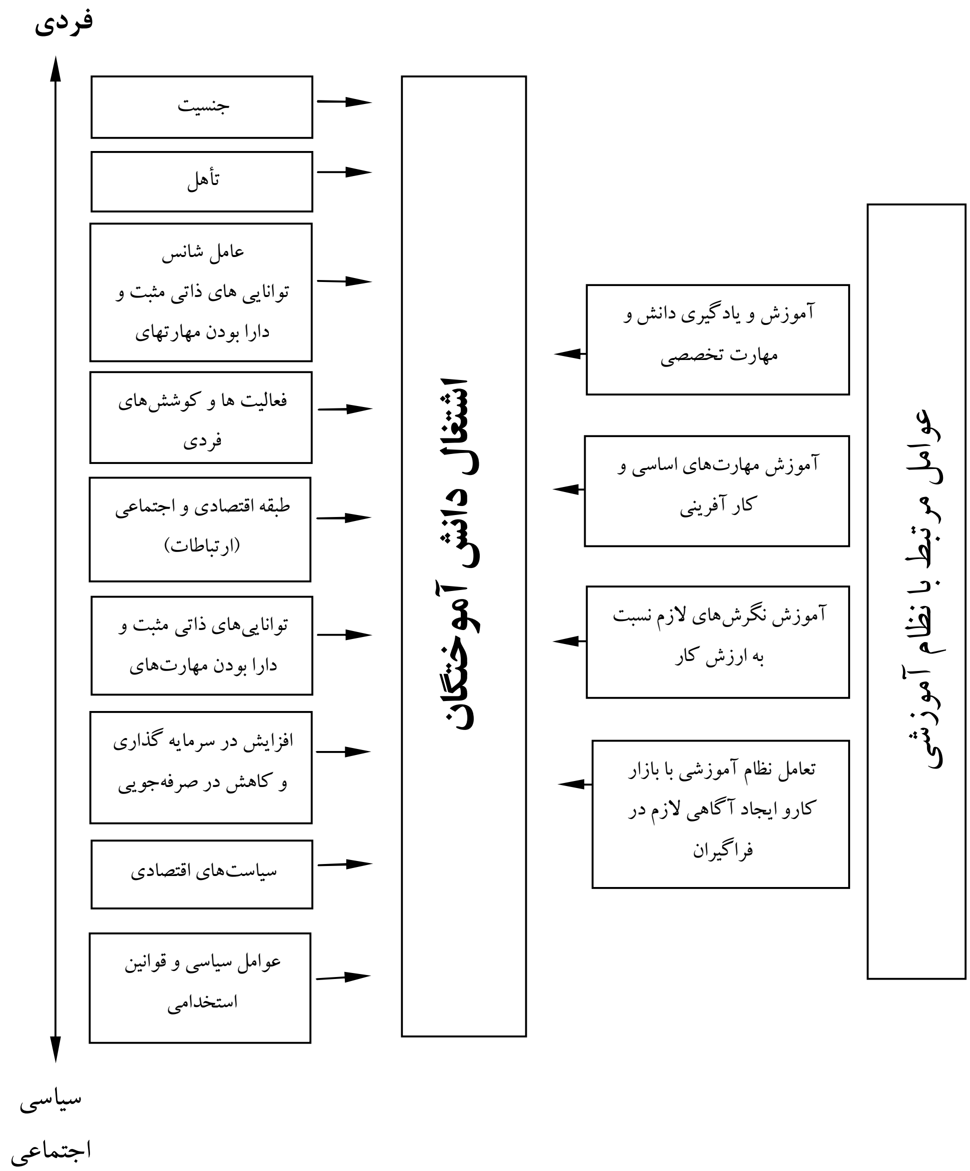
	لازم، کار گروهی، فرهنگ کارآفرینی و کاریابی، روحیه خدمت رسانی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، روحیه علمی، سبکِ اسناد فرد، تجربه کاری و کارورزی.	– محمدزاده (۱۳۸۳–۱۳۸۵) - هدایت پور طاقسرا (۱۳۸۳) – همتی (۱۳۸۶)-کریمی (۱۳۸۰) – احدی (۱۳۷۴) به نقل از موسوی (۱۳۸۳) – رحمانی (۱۳۸۲) – ازدهه (۱۳۸۳–۱۳۸۴) – گلرد (۱۳۸۴) – قریشی (۱۳۸۷) – جوادی (۱۳۸۱–۱۳۸۰) –آهنچیان (۱۳۸۲–۱۳۸۳) - پزشکی‌راد (۱۳۸۶).
نوع و میزان هماهنگی دانشگاه و بازار کار	آموزش علمی و کاربردی در دانشگاه،آموزش مهارت‌های کارآفرینی، ارتباط استاد و دانشجو، نیازسنجی آموزشی از طریق مطالعه بازار کار، توجه یا عدم توجه به آموزش مادام‌العمر و یادگرفتن، چگونه یادگرفتن دانشجویان، مهارت‌ها و دانش و آگاهی و انگیزه اساتید، آشنایی اساتید با بازار کار، دایر نمودن رشته‌های تحصیلی با توجه به امکانات، در نظر گرفتن تناسب محتوای آموزشی با محتوای شغلی، در نظرگرفتن نیاز جامعه، تاثیر دروس عملی و کارورزی در اشتغال، دانشگاه محل تحصیل، امکانات و تجهیزات دانشگاه محل تحصیل،کیفیت تدریس و آموزش (به ویژه دروس تخصصی و اصلی)، عدم کفایت در تولید دانش، آشنا نبودن با کارفرمایان، تمرکز دانشگاه‌ها بر کمیت به‌جای کیفیت، پذیرش دانشجویان بومی در دانشگاه‌ها، خدمات مشاوره شغلی، ارتباط مراکز آموزشی با بازارکار، تناسب برنامه آموزشی با نیازهای بازارکار، توانمندی‌های تحقیقاتی.	رحمانی (۱۳۸۲)- نویدی (۱۳۸۳) – بختیاری (۱۳۸۲) –- صباغیان (۱۳۸۷)- صالحی عمران (۱۳۸۵) –- هرندی (۱۳۸۶)- هدایت پوراطاق‌سرا (۱۳۸۳) - صالحی(۱۳۸۰)- همتی(۱۳۸۶)- پزشکی‌راد (۱۳۸۶)- مهرعلیزاده (۱۳۸۶) –آهنچیان (۱۳۸۳) – نفیسی (۱۳۸۷) – ایزدی (۱۳۸۳)- حجازی (۱۳۸۶) – محمدزاده (۱۳۸۳)- صیافی (۱۳۸۰) – سرکارائی (۱۳۸۰) – نجفی (۱۳۸۳) – احمدی (۱۳۸۳) –ازدهه (۱۳۸۴)- عارفی (۱۳۸۴) – صیافی (۱۳۸۰)- کریمی (۱۳۷۵) به نقل از موسوی (۱۳۸۳) - اداره آموزش و پژوهش سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای (۱۳۷۸) – زرتشتیان (۱۳۷۸)- شبانی (۱۳۷۹) - حسینی لرگانی (۱۳۸۷) - میرزایی ملااحمد (۱۳۸۵) – میرکمالی (۱۳۸۳) - محمود زاده نصرآبادی (۱۳۸۵).

شرایط اجتماعی	ضعف برنامه‌های حمایت از خود اشتغالی، عدم توسعه بنگاه‌ها و مراکز کاریابی، رواج نیافتن فرهنگ کاریابی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه، توجه کمتر به مهارت و دانش در هنگام استخدام، نبود اطلاعات کافی از وضعیت بازار کار، ارتباطات اجتماعی، نبود فرصت شغلی، فرهنگ و اعتقادات مربوط به کار، فقدان استخدام دربخش دولتی، تعداد دانش-آموختگان،کانون‌های فارغ التحصیلی.	احمدی (۱۳۸۳) - زرتشتیان (۱۳۷۸) - صیافی (۱۳۸۰)- امینی (۱۳۸۲) – جوادی (۱۳۸۱) – هرندی (۱۳۸۶) - صالحی عمران (۱۳۸۵) – رحمانی (۱۳۸۲) –- نصرآبادی (۱۳۸۴) - میرزایی ملا احمد (۱۳۸۵) - اداره آموزش و پژوهش سازمان آموزش فنی و حرفه ای (۱۳۷۸).

به نظر می‌رسد برای آن که جمع‌بندی جامعی از تمامی مطالبی که پژوهشگران مختلف درخصوص عوامل مرتبط با اشتغال، به آن اشاره نموده‌اند داشته باشیم و نیز برای آن که تفسیر منطقی‌تری از پدیده بیکاری یا اشتغال فارغ التحصیلان به دست آوریم، بایستی عوامل موثر بر اشتغال را تحلیل کنیم.

در این راستا مدل ادراکی زیر (که در ادامه آمده است) می‌تواند چارچوب مناسبی را برای ادراک عوامل مرتبط با اشتغالِ دانش‌آموختگان نظام آموزشی ارایه نماید. در این مدل عوامل موثر بر اشتغال به دو دسته کلی تقسیم‌بندی شده است، که یک دسته (قسمت راست نمودار) به عوامل درون نظام آموزشی و دسته دوم (قسمت چپ نمودار) به عوامل خارج از نظام آموزشی اشاره می کند:

نمودار شماره ۱: چارچوب ادراکی عوامل موثر بر اشتغال



در کل و با توجه به مجموعه نظرات صاحب‌نظران و چارچوب ادراکی عوامل مرتبط (و موثر بر) اشتغال، در این پژوهش ارتباط برخی از عمده‌ترین عوامل فردی و زمینه‌ای با اشتغال مورد بررسی قرار گرفت و سپس نگرش دانشجویان نسبت به برخی از مهمترین عوامل زمینه‌ساز اشتغال، مورد تحلیل واقع شد. با توجه به آن‌چه گذشت در این پژوهش سعی بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱- وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، در سه رشته علوم‌تربیتی، روان‌شناسی و کتابداری و اطلاع‌رسانی (میزان شاغل بودن، ارتباط شغل با رشته تحصیلی، میزان رضایت کلی از شغل و میزان ثبات شغلی) چگونه است؟

۲- عوامل مرتبط با اشتغال از میان متغیرهای فردی و زمینه‌ای زیر کدام است و کدام‌یک از عوامل مرتبطِ معنادار توانسته‌اند به‌عنوان متغیر پیش‌بینِ اشتغال، عمل نمایند؟ (عوامل: جنسیت، عضویت در تشکل‌های دانشجویی، فعالیت صنفی در دوران دانشجویی، رشته تحصیلی کارشناسی، انگیزه اولیه ورود به دوره کارشناسی، رشته تحصیلی دوره متوسطه (نوع دیپلم)، سن، معدل دوره کارشناسی)

۳- دانشجویان نسبت به هر یک از مقوله‌های زیر چه نگرشی داشته‌اند؟

۳-۱- توانایی‌های خود برای اشتغال

۳-۲- شرایط اجتماعی مرتبط با مقوله اشتغال

۳-۳- تمهیدات دانشگاه برای ایجاد ارتباط با بازار کار

۳-۴- تناسب محتوای برنامه درسی (آموزش‌های دانشگاهی) با نیازهای بازار کار

۳-۵- پرورش مهارت‌های کارآفرینی در دانشگاه

روش

تحقیق حاضر از گروه تحقیقات پی‌گیری (follow-up) است که با توجه به تمرکز آن بر وضع موجود، پیمایشی است. در تحلیل پرسش یک از روش‌های توصیف اطلاعات و آماره‌های توصیفی مربوط نظیر اعلامِ درصد، استفاده شد. در بخش اول از پرسش دوم با توجه به اسمی بودن متغیرها از آزمون آماری x^2 برای بررسی استقلال یا (هم‌خوانی) متغیرهای فردی- زمینه‌ای با متغیر اشتغال استفاده شد. در بخش دوم از پرسش دوم به لحاظ اسمی بودن هر دو متغیر ملاک (عوامل فردی- زمینه‌ای) و متغیر پیش‌بین (اشتغال) از آزمون رگرسیون لجستیک، برای تشخیص متغیرهای پیش‌بین استفاده شد.

در پرسش سوم از روش پیمایشی و تست نگرش‌سنج محقق ساخته‌ی ۴ درجه‌ای (کاملاً موافق، موافق،

مخالف، کاملاً مخالف) استفاده شد[۱]. روایی‌سنجی پرسشنامه نگرش‌سنج، به روش داوری تخصصی صاحب‌نظران دانشکده علوم تربیتی انجام پذیرفت. ضمناً پایایی بدست آمده برای تست پس از حذف گویه‌های نامربوط براساس آلفای کرونباخ معادل ۶۹/۷٪ محاسبه گردید. برای تعیین معناداری موافقت و مخالفت دانشجویان با هریک از گویه‌ها از آزمون t از نوع مقایسه میانگین با یک ادعا استفاده شد، که میانگین هر پرسش پرسشنامه با میانه طیف (X=۲/۵)[۲] و در برخی موارد با نظر دلایلی که خواهد آمد، با ارزش متناظر با موافق(X=۳) مقایسه شد.

ابزارهای پژوهش، مشتمل بر دو پرسشنامه تلفنی و پرسشنامه پستی می‌باشد. الف) پرسشنامه تلفنی: با تلاش فراوان علی‌رغم تماس با شماره تلفن تمام اعضای جامعه (۳۰۰ نفر فارغ‌التحصیلان سال ۱۳۸۲[۳])، متأسفانه تنها با ۱۵۷ نفر تماس موفق حاصل شد. اطلاعات توصیفی اصلی، نظیر درصد شاغلان و بیکاران، براساس اطلاعات حاصل از همین پرسشنامه (تلفنی) به دست آمد[۴]. در تماس تلفنی مذکور از فارغ التحصیلان تقاضا شد به پرسشنامه‌ای که برای ایشان ارسال خواهد شد پاسخ دهند، ولی با وجود تأکید فراوان، تعداد تکمیل کنندگان پرسشنامه به ۱۲۹ نفر تقلیل یافت. لازم به ذکر است که درصد افت پاسخ دهندگان در گروه بیکار بیشتر بود، که امری طبیعی به نظر می‌رسد. ب) پرسشنامه پستی: این پرسشنامه دارای سه بخش (اطلاعات راجع به متغیرهای فردی و زمینه‌ای؛ نظیر جنسیت، رشته تحصیلی دیپلم، رشته کارشناسی و ...) بود. بخش دوم پرسشنامه مشتمل بر درخواست اطلاعات راجع به موارد مرتبط با اشتغال نظیر شاغل بودن، رضایت کلی از شغل و ..... بوده است. بخش سوم پرسشنامه مشتمل بر سنجش نگرش فارغ التحصیلان در پنج مؤلفه مذکور بود.

---

۱. تست لیکرت معمولاً ۳، ۵ یا ۷ درجه‌ای است؛ اما در این پژوهش حد وسط طیف ۵ درجه‌ای (بی‌نظر)، برای جلوگیری از گرایش پاسخ‌ها به میانه طیف، حذف شده است.

۲. کاملاً موافق۴ ، موافق ۳، مخالف ۲، خیلی مخالف ۱

۳. عدم انتخاب فارغ التحصیلان سال‌های ۸۳ تا ۸۶ ، عامدانه بوده است. به ویژه در پسران به دلیل وجود خدمت سربازی، وضعیت اشتغال به کار پس از مدتی به نحو کامل تری مشخص می شود.

۴. در تماس با آزمودنی‌ها این مسأله روشن شد که منظور از اشتغال، هر نوع کار درآمدزا بوده است. اما به طور طبیعی با توجه به آن که پاسخ‌دهندگان فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی بوده‌اند، اکثریت مشاغل، فعالیت‌های مشاوره‌ای (هفته‌ای چند ساعت) نبود بلکه تقریباً تمام مشاغل، فعالیت‌های تمام وقت درآمدزا بوده‌اند.

یافته‌ها

الف) وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان

جدول شماره ۲: اطلاعات زمینه‌ای پاسخ‌گویان به پرسشنامه تلفنی(n=۱۵۷)

مقوله	سطوح	تعداد	نسبت به درصد
جنسیت	مرد	۳۴	۲۱/۷
	زن	۱۲۳	۷۸/۳
رشته	علوم تربیتی	۸۱	۵۱/۶
	روان‌شناسی	۴۶	۲۹/۳
	کتابداری	۳۰	۱۹/۱

جدول شماره ۳: اطلاعات شغلی پاسخ‌گویان به پرسشنامه تلفنی(n=۱۵۷)

مقوله	سطوح	نسبت (به درصد)
شاغل بودن	شاغل	۶۴/۳
	بیکار	۳۵/۷
رضایت کلی از شغل (در مورد شاغلان)	راضی	۳۵/۵
	ناراضی	۱۵/۵
	تا حدی راضی	۲۱/۳
	بی پاسخ	۲۷/۷
مرتبط بودن شغل با رشته تحصیلی (شاغلان)	مرتبط	۷۱
	غیر مرتبط	۲۹

جدول شماره ۴ : اطلاعات زمینه‌ای پاسخ‌گویان به پرسشنامه پستی(n=۱۲۹)

مقوله	سطوح	نسبت به درصد	بی پاسخ
رشته تحصیلی کارشناسی(n=۱۲۹)	علوم تربیتی	۵۰/۵	۰
	روان‌شناسی	۳۰/۵	
	کتابداری	۱۹/۰	
جنسیت (n=۱۲۹)	مرد	۲۴	۰

	زن	۷۶	
نوع دیپلم(n=۱۲۹)	علوم انسانی	۷۶/۷	۱/۶
	علوم تجربی	۱۷/۱	
	ریاضی فیزیک	۴/۷	
مهمترین انگیزه ورود به دوره کارشناسی (n=۱۲۹)	کسب شأن اجتماعی	۷/۰	۱۴
	اصرار خانواده	۰	
	علاقه‌مندی به ادامه تحصیل	۶۴	
	برای رسیدن به شغل و درآمد مناسب	۱۵	
ادامه تحصیل (کارشناسی ارشد) (n=۱۲۹)	بلی	۲۰/۰	۰/۸
	خیر	۷۹/۲	
علت ادامه تحصیل (n=۳۰)	علاقه‌مندی به رشته تحصیلی	۴۹/۲	۴
	پیدا نکردن شغل با مدرک کارشناسی	۱۵/۴	
	پایین بودن سطح مدرک تحصیلی	۲۸/۰	
	سایر	۳/۶	
تناسب رشته ارشد با رشته دوره کارشناسی(n=۳۰)	بلی	۸۸/۰	۰
	خیر	۱۲/۰	
	تا اندازه‌ای	۰	
علت عدم ادامه تحصیل (n=۹۹)	در آزمون قبول نشدم	۳۵/۴	۱
	علاقه ای به ادامه تحصیل نداشتم	۶/۱	
	امکان ادامه تحصیل برایم نبود	۳۴/۳	
	ادامه تحصیل را بی‌فایده می‌دانستم	۸/۱	
	سایر موارد	۱۵/۲	
شغل ثابت قبل از ورود به دانشگاه (n=۱۲۹)	بلی	۳/۱	۰
	خیر	۹۶/۹	
فعالیت در تشکل‌های دانشجویی (n=۱۲۹)	بله	۴۰/۳	۱۴/۷
	خیر	۴۵/۰	

مشغول به کار بودن در دوره دانشجویی (n=۱۲۹)	بله	۲۶/۴	۴/۶
	خیر	۶۹/۰	
ارتباط کار دوره دانشجویی با رشته تحصیلی(n=۳۴)	بله	۳۴/۱	۰
	خیر	۶۵/۹	
سن	۲۸/۵	۳/۸۴	۰
معدل	۱۵/۴۹	۱/۲۱	

جدول شماره ۵: توزیع نسبت وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان (n=۱۲۹) مأخذ : پرسشنامه پستی

مقوله	سطوح	نسبت به درصد	بی پاسخ
شاغل بودن/ نبودن (n=۱۲۹)	شاغل	۶۹/۵	۳
	بیکار	۲۷/۵	
علت عدم اشتغال (n=۳۶)	کاری پیدا نشده است	۶۰/۵	۰
	اصلاً به دنبال شغل نبوده‌ام	۱۰/۵	
	قصد ادامه تحصیل داشته‌ام	۱۰/۵	
	سایر	۱۸/۴	
میزان معطلی برای شروع به کار (n=۹۱)	بلافاصله مشغول کار شدم	۳۷/۰	۱
	مدتی معطل شدم*	۶۲/۰	
نحوه پیدا کردن شغل (n=۹۱)	دوستان و آشنایان	۲۴/۳۱	۰
	شرکت در آزمون استخدامی	۵۲/۰۱	
	مراکز کاریابی	۰	
	دعوت به کار شدم	۸/۵	
	خود اشتغالی	۴/۶۶	
	غیره	۱۰/۶	
آیا پس از فراغت از تحصیل شغل خود	بله	۲۷/۵	۰

* میانگین مدت معطلی برای کار حدوداً ۲ سال بوده است. (پاسخ کاملاً دقیق نبوده است)

را تغییر داده‌اید؟ (n=۹۱)	خیر	۷۲/۵	
آیا شغل فعلی شما با رشته تحصیلی‌تان هم خوانی دارد**؟ (n=۹۱)	بله	۵۱/۱	۰
	خیر	۱۸/۵	
	تا اندازه‌ای	۳۰/۴	
آیا شغل فعلی خود را موقتی می دانید؟ (n=۹۱)	بله	۴۴/۳	۰
	خیر	۵۵/۷	
	تااندازه‌ای	۰	
آیا از شغل خود رضایت دارید؟ (n=۹۱)	بله	۴۵/۲	۰
	خیر	۱۹/۴	
	تا اندازه‌ای	۳۵/۵	
علت عدم رضایت شما از شغل‌تان چیست؟ (n=۹۱)	عدم تناسب با رشته تحصیلی	۲۲/۸۳	۰
	عدم تناسب با علاقه	۱۳/۱۸	
	کافی نبودن درآمد	۳۶/۳۳	
	سختی کار	۱۶/۸	
	دور بودن از محل زندگی	۸/۸۵	
	سایر موارد	۴/۹	

ب-۱) بررسی متغیرهای مرتبط با اشتغال

در این پژوهش، با توجه به جمع‌بندی پیشینه، راجع به جمع‌بندی عوامل مرتبط با اشتغال و عدم اشتغال، ارتباط متغیرهای زیر با اشتغال فارغ التحصیلان مورد بررسی قرار گرفت (سپس به این پرسش پاسخ داده شد که تا چه حد اشتغال فرد و چگونگی آن براساس متغیرهای زیر قابل پیش‌بینی است).

۱- جنسیت (در دو سطح مرد و زن)

۲- سن

۳- نوع دیپلم (در چهار سطح انسانی، تجربی، ریاضی و سایر دیپلم‌ها)

۴- رشته تحصیلی کارشناسی (در سه سطح علوم تربیتی، روان‌شناسی و کتابداری)

** متوسط میزان ارتباط رشته تحصیلی با شغل از نظر فارغ التحصیلان ۵۵٪ و انحراف معیار آن ۲۲/۸ بوده است.

۵- معدل

۶- انگیزه ورود به دوره کارشناسی

۷- کار در دوره دانشجویی (افرادی که در دوره تحصیل کار می‌کرده‌اند در مقابل افرادی که فقط تحصیل داشته‌اند)

۸- عضویت در تشکل‌های دانشجویی (اعضا در مقابل غیر اعضا)

لازم به ذکر است که متغیر ملاک اصلی، متغیر شاغل بودن (در مقابل بیکاری) می‌باشد. اما برخی موارد دیگر نظیر احساس ثبات شغلی، هم‌خوانی شغل با رشته تحصیلی (از نظر پاسخ دهنده)، رضایت کلی از شغل، نحوه پیدا کردن شغل، میزان تغییر شغلی نیز مورد لحاظ قرار گرفته است. برای آزمون آماری ارتباط متغیرهای پیش‌بین احتمالی و متغیرهای ملاک به لحاظ اسمی بودن مقیاس در هر دو گروه متغیر، از آزمون استقلال خی دو استفاده شد[۱]. *به لحاظ ضرورت اختصار ذیلاً فقط نتایجی که حاوی ارتباط معنادار بوده‌اند گزارش شده است:*

۱- بررسی ارتباط بین متغیر شاغل بودن/ نبودن با متغیرهای رشته‌تحصیلی، جنسیت و کاردانشجویی

جدول شماره ۶: اطلاعات توصیفی متغیرهای مرتبط با اشتغال(به درصد)

متغیرهای زمینه‌ای	رشته تحصیلی			جنسیت		کار دانشجویی	
شاغل بودن/نبودن	کتابداری	روانشناسی	علوم تربیتی	مرد	زن	دارای کار	فاقد کار
شاغل	۵۳/۳	۸۲/۶	۵۸	۹۴/۶	۶۹/۳	۷۷	۶۵
بیکار	۴۷	۱۷	۴۲	۵/۴	۳۰/۷	۱۲	۳۵

جدول شماره ۷: نتایج بررسی آزمون خی‌دو جهت بررسی ارتباط معنادار متغیرهای زمینه‌ای و اشتغال

نتایج آزمون X^2 / متغیرهای زمینه‌ای	تعداد	درجه آزادی	ارزش X^2	سطح معناداری

[۱]. در صورت رد فرضیه صفر در آزمون استقلال خی دو می‌توان چنین نتیجه گرفت که نوعی ارتباط میان توزیع پراکندگی دو متغیر مورد مطالعه وجود دارد. اما جهت ارتباط، با لحاظ منطق و عقل سلیم مشخص می‌شود. مثلاً به طور طبیعی جنسیت بر اشتغال موثر است و نه بر عکس.

رشته تحصیلی	۱۵۷	۲	۹/۶۸	۰/۰۰۸
جنسیت	۱۵۷	۱	۱۳/۶	۰/۰۰۰
کار دانشجویی	۱۲۹	۱	۶/۲۳	۰/۰۱۳

براساس نتایج آزمون خی‌دو و جدول توصیفی متغیرهای مرتبط با اشتغال، مشاهده می‌شود که در میان رشته‌های مختلف موجود در دانشکده علوم‌تربیتی و روان‌شناسی، دانشجویان رشته روان‌شناسی به‌صورت معناداری نسبت به دانشجویان سایر رشته‌ها، در یافتن شغل موفق‌تر بوده‌اند. همچنین نتایج بررسی در مورد متغیر پیش‌بین جنسیت، نشان می‌دهد که دانشجویان مرد نسبت به دانشجویان زن، در یافتن شغل موفق‌تر بوده‌اند. درخصوص متغیر کار دانشجویی نیز، نتایج حاکی از آن است که افرادی که در دوره دانشجویی از کار دانشجویی برخوردار بوده‌اند، نسبت به افرادی که در دوره دانشجویی فاقد کار دانشجویی بوده‌اند، در یافتن شغل موفق‌تر عمل کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که هریک از سه متغیر رشته‌تحصیلی، جنسیت و دارا/ فاقد کاردانشجویی با متغیر شاغل بودن/ نبودن ارتباط معنادار دارند.

۲- بررسی ارتباط بین متغیر احساس/ عدم احساس ثبات شغلی با متغیرهای دارا/ فاقد کار دانشجویی و عضویت/ عدم عضویت در تشکل‌های دانشجویی

جدول شماره ۸: اطلاعات توصیفی از متغیرهای مرتبط با احساس/ عدم احساس ثبات شغلی(به درصد)

متغیرهای زمینه‌ای	**عضویت در تشکل‌های دانشجویی**		***کار دانشجویی***	
احساس ثبات/ عدم ثبات شغلی	عضویت	عدم عضویت	دارای کار	فاقد کار
برخوردار از احساس ثبات شغلی	۶۸/۵	۳۹/۵	۷۵	۴۷
عدم برخورداری از احساس ثبات شغلی	۳۱/۵	۶۰/۵	۲۵	۵۲

جدول شماره ۹: بررسی آزمون خی‌دو جهت بررسی ارتباط معنادار متغیرهای زمینه‌ای و احساس ثبات/عدم احساس ثبات شغلی

نتایج آزمون X^2 / متغیرهای زمینه‌ای	تعداد	درجه آزادی	ارزش X^2	سطح معناداری
عضویت در تشکل‌های دانشجویی	۱۲۹	۱	۶/۴	۰/۰۱۱
کار دانشجویی	۱۲۹	۱	۵/۸۳	۰/۰۱۶

نتایج آزمون خی‌دو و جدول توصیفی متغیرهای مرتبط با احساس/ عدم احساس ثبات شغلی نشان می‌دهد، افرادی که در دوره دانشجویی در تشکل‌های دانشجویی فعالیت داشته‌اند، نسبت به دانشجویانی که چنین فعالیت‌هایی را نداشته‌اند، پس از فراغت و شروع به کار، از احساس ثبات شغلی بیشتری برخوردارند. همچنین افرادی که در دوره دانشجویی دارای کار دانشجویی بوده‌اند، نسبت به افرادی که در دوره دانشجویی خود فاقد کار دانشجویی بوده‌اند، پس از فراغت از تحصیل و شروع به کار، از احساس ثبات شغلی بیشتری برخوردارند.

ب-۲) بررسی میزان پیش‌بینی‌پذیری متغیر شاغل بودن بر اساس متغیرهای پیش‌بین احتمالی (رشته تحصیلی ،جنسیت، سن، معدل دوره کارشناسی، نوع دیپلم، انگیزه ورود به دوره کارشناسی، فعالیت در تشکل‌ها و دارا بودن کار دانشجویی در دوران تحصیل):

خلاصه نتایج آزمون آماری رگرسیون لوجیستیک

۱- با توجه به x^2 به دست آمده معادل ۱۶/۰۷۴ و سطح معناداری $p<$۰/۰۵ متغیرهای پیش‌بین به طور کلی وضعیت شاغل بودن/نبودن را پیش‌بینی کرده‌اند. ذیلاً جدول ضرایب رگرسیون مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۱۰: ضرایب رگرسیون پیش بینی متغیر شاغل بودن

	B	S.E.	wald	df	sig	Exp(B)
(q۱) رشته	۱/۰۹۸-	۰/۵۷۱	۳/۶۹۶	۱	۰/۰۵۵	۰/۳۳۴
(q۵) جنس	۲/۳۵۴	۱/۱۲۲	۴/۳۹۸	۱	۰/۰۳۶	۱۰/۵۲۴
(q۸) نوع دیپلم	۱/۳۳۹	۰/۹۵۶	۱/۹۶۲	۱	۰/۱۶۱	۳/۸۱۵
(q۶) سن	۰/۰۳۷	۰/۰۶۴	۰/۳۳۸	۱	۰/۵۶۱	۱/۰۳۸
(q۷) معدل	۰/۱۸۴-	۰/۲۳۱	۰/۶۳۵	۱	۰/۴۲۶	۰/۸۳۲
(q۹) انگیزه	۰/۰۷۸	۰/۱۰۴	۰/۵۶۲	۱	۰/۴۳۵	۰/۰۸۱
(q۱۵) تشکل	۰/۰۱۶-	۰/۵۶۱	۰/۰۰۱	۱	۰/۹۷۷	۰/۹۸۴
(q۱۷)کار دانشجویی	۱/۳۰۸	۰/۸۹۵	۲/۱۳۶	۱	۰/۱۴۴	۳/۶۹۸
CONSTANT (مقدار ثابت)	۶/۰۲۴-	۵/۰۸۳	۱/۴۰۴	۱	۰/۲۳۶	۰/۰۰۲

با توجه به ضرایب رگرسیون مربوط به q5 (جنسیت)، معادل (wald=۵/۰۹۰، df=۱، p<./.۵)، فقط جنسیت نقش تعیین کننده در پیش‌بینی متغیر ملاک (شاغل بودن) داشته است. اما شاخصه‌های wald در مورد سایر متغیرها با توجه به میزان (p>۰/۰۵) معنادار نیست. ضمناً بر اساس R^2 کاکس و انسل(snell&cox) تنها ۱۸ درصد واریانس متغیر ملاک براساس متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش قابل تبیین است.

لازم به ذکراست که براساس ضرایبB، معادله پیش‌بینی متغیر شاغل بودن به شرح زیر می‌باشد:

شاغل بودن: (−۱/۰۹۸×q۱) +(۲/۳۵۴×q۵) +(۱/۳۳۹×q۸)+(۰/۰۳۷×q۶) +(۰/۱۸۴×q۷) +(۰/۰۷۸×q۹)

+(−۰/۰۱۶×q۱۵)+(۱/۳۰۸×q۱۷)−۶/۰۲۴

ج) نگرش دانشجویان راجع به عوامل مرتبط با اشتغال:

۱- بررسی دیدگاه فارغ‌التحصیلان درخصوص توانمندی‌های تخصصی و حرفه‌ای خود

جدول۱۱: نمایش درصد و مقایسه میانگین دیدگاه فارغ التحصیلان درخصوص توانمندی‌های تخصصی، شغلی و حرفه‌ای با میانه طیف (x=۲/۵)

ردیف	گویه	کاملاً موافق	موافق	مخالف	کاملاً مخالف	mean	t	ig
۱	احساس توانایی احراز شغل مرتبط با رشته	۳۳	۵۰	۱۱	۶	۳/۲۲۴	۱۲/۱۷۹	۰/۰۰۰
۲	برخورداری از مهارت‌های عمومی کار	۱۴	۴۷	۳۵	۴	۲/۷۲۲	۳/۴۰۰	۰/۰۰۱
۳	برخورداری از مهارت‌های تخصصی و عملیاتی	۲۰	۵۹	۱۷	۴	۲/۹۷۵	۷/۷۸۸	۰/۰۰۰
۴	برخورداری از دانش روز و معتبر درباره رشته تخصصی	۶	۴۷	۴۱	۶	۲/۵۲۷	۰/۴۵۱	۰/۶۵۲

۵	کمک به رشد دیگران و انتقال مهارت و دانش به آنان	۲۹	۶۱	۴	۶	۳/۲۳۴	۱۴/۲۸۴	۰/۰۰۰

از مجموع نتایج جدول بالا، چنین استنباط می‌شود که فارغ‌التحصیلان به‌طور کلی نگرش نسبتاً مثبتی نسبت به توانمندی‌های تخصصی و حرفه‌ای خودشان دارند. به طوری که در چهار گویه از گویه‌های پنج‌گانه مربوط به این مقوله، میانگین از نقطه میانه طیف (X=۲/۵)[1] بالاتر است و در مورد نگرش نسبت به برخورداری از دانش روز و معتبر، در حدود میانگین است. یعنی اگر چه نمی‌توان گفت که به سمت مثبت گرایش دارد ولی به سمت منفی نیز گرایش ندارد.

در ادامه برای اطمینان از مثبت بودن دیدگاهِ فارغ‌التحصیلان (گرایش معنادار نظرات به سمت بالای طیف)، میانگین نظرات آنان در گویه‌های پنج‌گانه‌ی مربوط به این مقوله[1] با عدد ۳ (گزینه موافق) مقایسه شد. در این مقایسه انتظار داریم که میانگین نظرات فارغ‌التحصیلان از عدد ۳ به‌طورمعناداری پایین‌تر نباشد. اما این مقایسه نشان داد که فارغ‌التحصیلان به‌طور کامل، مطمئن به توانمندی‌های تخصصی و شغلی خود نیستند؛ به‌گونه‌ای که در دو گویه «نگرش نسبت به مهارت‌های عمومی کار» و «دارا بودن دانش روز و معتبر»، میانگین به‌طور معناداری از نقطه مطلوب (X=۳) پایین‌تر است. البته در دو گویه دیگر، «احساس توانایی لازم برای احراز شغل» و «توانایی کمک به رشد دیگران»، وضعیت را می‌توان کاملاً مطلوب توصیف نمود.

۲-بررسی دیدگاه فارغ‌التحصیلان درخصوص وضعیت کار و اشتغال در جامعه

جدول۱۲: نمایش درصد و مقایسه میانگین دیدگاه فارغ التحصیلان درخصوص وضعیت کار و اشتغال در جامعه با میانه طیف(X=۲/۵)

ردیف	گویه	کاملاًموافق	موافق	مخالف	کاملاً مخالف	mean	t	sig
۱	عدم شرایط لازم برای اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته من	۳۷	۳۶	۲۱	۶	۳/۰۶۴	۶/۸۹۶	۰/۰۰۰

[1]. با توجه به اختصاص عدد ۱ به گزینه خیلی مخالف، عدد ۲ به گزینه مخالف، عدد ۳ به گزینه موافق و عدد ۴ به گزینه کاملاً موافق، عدد ۲/۵ میانه (میانگین نظری) طیف خواهد بود.

۲	عدم اهمیت لازم جامعه، به رشته‌ی تحصیلی من	۳۷	۳۷	۲۲	۴	۳/۰۶۲	۷/۳۹۰	۰/۰۰۰
۳	کاذب بودن اکثر شغل‌های موجود در جامعه	۲۴	۵۲	۲۰	۴	۲/۹۵۳	۶/۶۹۷	۰/۰۰۰
۴	در جامعه ما هیچکس سر جای خودش نیست	۳۴	۴۴	۱۵	۷	۳/۱۹۰	۱۰/۵۵۳	۰/۰۰۰
۵	علت کمبود کار: تنها افزایش جمعیت جوانان است	۲	۸	۴۴	۴۶	۱/۶۴۰	-۱۳/۹۷۵	۰/۰۰۰
۶	تنبلی جوانان در کسب مهارت‌های لازم برای اشتغال	۳۴	۵۲	۹	۶	۳/۲۳۲	۱۲/۴۶۶	۰/۰۰۰
۷	ضرورت پارتی (برای پیدا کردن شغل) بجای مهارت	۴۵	۳۲	۲۱	۲	۳/۲۰۹	۹/۶۴۲	۰/۰۰۰
۸	عدم ملاک بودن مهارت در کارهای دولتی (پس از استخدام) برای ارتقا	۲۱	۵۱	۲۵	۳	۲/۹۲۷	۶/۵۸۰	۰/۰۰۰
۹	عدم امیدواری به آینده شغلی خود	۲۷	۲۲	۳۸	۱۵	۲/۶۰۹	۱/۲۰۳	۰/۲۳۱
۱۰	عدم تاثیر تلاش در پیدا کردن شغل	۲۹	۴۱	۲۵	۵	۲/۸۵	۴/۳۳	۰/۰۰۰
۱۱	شانس از مهمترین عوامل پیدا کردن شغل	۱۸	۳۲	۳۸	۱۲	۲/۵۸۸	۱/۰۸۵	۰/۲۸۰
۱۲	نقش موثر ارتباطات اجتماعی در یافتن شغل	۳۷	۵۵	۶	۲	۳/۲۸۹	۱۳/۹۱۱	۰/۰۰۰
۱۳	عدم تاثیر تلاش علمی در یافتن شغل مناسب	۲۸	۳۸	۲۵	۹	۲/۸۵۸	۴/۳۳۲	۰/۰۰۰

با توجه با ارقام جدول فوق، در یک نگاه کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که فارغ التحصیلان، در مجموع، دارای نگرش منفی و نسبتاً منفی نسبت به وضعیت اشتغال در جامعه هستند؛ به گونه‌ای که آنها با اعلام موافقت، با گویه‌های دارای بار منفی، نظیر: «فراهم نبودن شرایط اشتغال»، «شأن پایین رشته در نگاه اجتماع»، «عدم تخصص‌گرایی در اجتماع»، «مقصر بودن جامعه (مسئولان) در کمبود شغل»، «ملاک نبودن مهارت برای ارتقاء وضعیت اشتغال» را از منظر اجتماعی بد ارزیابی کرده‌اند (توضیح آن‌که ، همان‌طوری که در جدول مشخص است در تمام گویه‌های یاد شده میانگین بدست آمده به‌طور معناداری از میانه طیف

بالاتر است و با توجه به بار منفیِ گویه‌ها، نگرش‌های مربوط، منفی و نسبتاً منفی هستند). از سوی دیگر فارغ‌التحصیلان از عوامل اشتغال در جامعه ارزیابی مثبتی ندارند؛ یعنی عواملی نظیر پارتی و داشتن ارتباطات اجتماعی و تا حدی دارا بودن توانایی‌های ذاتی و شانس را موثرتر از توانمندی‌های تخصصی، در پیدا کردن شغل، می‌دانند. همچنین از نظر این فارغ‌التحصیلان، تلاش کردن در یافتن شغل تاثیری ندارد. شاید تنها نکته مثبت در این مقوله، آن است که به هر روی فارغ‌التحصیلان به نوعی پذیرفته‌اند که جوانان نیز با بسنده کردن به تحصیلات آکادمیک و کوتاهی در پی‌جویی آموزش‌های بیشتر تخصصی، تا حدی در ایجاد شرایط نامساعد کاری مقصر هستند.

۳-بررسی دیدگاه فارغ‌التحصیلان درخصوص ایجاد تمهیدات لازم برای اشتغال توسط دانشگاه

جدول۱۳: نمایش درصد و مقایسه میانگین دیدگاه فارغ‌التحصیلان درخصوص ایجاد تمهیدات لازم برای اشتغال توسط دانشگاه با میانه طیف(X=۲/۵)

ردیف	گویه	کاملاً موافق	موافق	مخالف	کاملاً مخالف	mean	t	sig
۱	تاثیر داشتن انجمن علمی محل تحصیل در کاریابی	-	۵	۳۵	۶۰	۱/۴۳۰	-۲۰/۶۶۵	۰/۰۰۰
۲	رابط بودن اساتید برای آشنایی دانشجویان با بازار کار	۴	۱۳	۴۷	۳۶	۱/۸۲۵	-۹/۸۳۱	۰/۰۰۰
۳	مفید بودن راهنمایی و کمک اساتید برای پیدا کردن شغل	۳	۱۱	۴۷	۳۹	۱/۷۵۲	-۱۱/۷۰۴	۰/۰۰۰
۴	موثر بودن ارتباط دانشکده محل تحصیل با سایر سازمان‌ها و نهادهای دارای فعالیت مرتبط، در پیدا کردن شغل	۷	۵	۴۸	۴۰	۱/۶۴۷	-۱۴/۹۷۴	۰/۰۰۰
۵	راهنمایی و اطلاع رسانی به دانشجویان، درباره دنیای بیرون از دانشگاه، توسط اساتید و مدرسان	۲	۳۰	۵۵	۱۳	۲/۲۰۹	-۴/۹۳۳	۰/۰۰۰
۶	داشتن دغدغه اشتغال دانشجویان از سوی	۲	۱۶	۵۰	۳۲	۱/۸۶۷	-۹/۸۷۶	۰/۰۰۰

	اساتید							
۷	برخورداری دانشکده در زمینه پیش بینی ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره شغلی بعد از فارغ التحصیلی و اشتغال	-	۶	۵۰	۴۴	۱/۶۱۴	-۱۶/۸۷۵	۰/۰۰۰
۸	متناسب بودن امکانات محل تحصیل برای آشناسازی با محیط کار	۲۰	۳۹	۳۸	۳	۲/۷۵۷	۳/۶۸۷	۰/۰۰۰
۹	وجود ارتباط خوب با سازمان‌ها و مراکز مرتبط	۹	۳۸	۴۱	۱۲	۲/۲۴۱	-۱/۰۸۹	۲۷۸
۱۰	معرفی دانشجویان به سازمان‌ها و مراکز مرتبط با رشته خود (برای کارورزی، کار افتخاری و کسب تجربه)	۴	۲۵	۳۵	۳۶	۱/۹۶۰	-۶/۹۳۵	۰/۰۰۰

ارقام جدول فوق، با توجه به مقایسه میانگین‌های بدست آمده با میانه طیف (X=۲/۵)، در موارد مختلف نشان دهنده دیدگاه کاملاً منفی فارغ‌التحصیلان راجع به نوع ارتباط دانشکده و دانشگاه و اساتید با محیط‌های کاری و ابراز نارضایتی از آماده‌سازی تمهیداتِ ورود به بازارکار درمحیط دانشگاه و دانشکده می‌باشد. به‌گونه‌ای که در برخی موارد (نظیر: «تأثیر انجمن علمی در کاریابی»، «تأثیر ارتباط دانشکده محل تحصیل با سازمان‌ها»، «پیش‌بینی خدمات مشاوره شغلی بعد از فارغ‌التحصیلی»، «دغدغه نداشتن اشتغال دانشجویان از سوی اساتید»، «عدم ایجاد ارتباط با دانشجویان در جهت بازار کار از سوی اساتید»، «عدم راهنمایی اساتید برای پیدا کردن شغل»)؛ نوعی اتفاق نظر در بین اکثریت مطلق فارغ‌التحصیلان در مورد منفی بودن شرایط وجود دارد. (به لحاظ آماری میانگین بدست آمده در مورد گویه‌های دارای بار منفی به طور معناداری از عدد ۳ (یعنی موافق) بیشتر است و در بقیه موارد نیز هیچ مورد رضایت‌بخشی وجود ندارد (اگر چه میزان توافق دانشجویان در موردِ منفی بودن آنها، تا حدی کمتر است).

۴-بررسی دیدگاه فارغ‌التحصیلان راجع به میزان "تناسب برنامه درسی و آموزش اساتید" با "اشتغال"

جدول۱۴: نمایش درصد و مقایسه میانگین دیدگاه فارغ‌التحصیلان درخصوص ارتباط برنامه درسی و آموزش با اشتغال با میانه طیف (X =۲/۵)

ردیف	گویه	کاملاً موافق	موافق	مخالف	کاملاً مخالف	mean	t	sig
۱	انطباق بین دروس رشته با نیازهای جامعه، وسیله‌ای برای موفقیت بیشتر فارغ التحصیلان در یافتن شغل	۳۳	۳۹	۲۵	۳	۳/۱۷۱	۴/۲۵۰	۰/۰۰۰
۲	عدم تاثیر دروس کارورزی در یافتن شغل	۲۷	۵۰	۱۸	۵	۲/۹۹۲	۶/۹۱۷	۰/۰۰۰
۳	عدم انطباق مطالبات جامعه و دروس ارائه شده در این رشته	۸	۳۵	۵۲	۵	۲/۴۴۸	-۰/۸۳۰	۰/۴۰۸
۴	تعداد واحدهای کاروزی در رشته تحصیلی-ام، در دوره کارشناسی مناسب بود.	۷	۳۲	۳۵	۲۶	۲/۱۹۰	-۳/۸۵۷	۰/۰۰۰
۵	کاربرد دروس تخصصی این رشته در شغل	۱۴	۴۷	۳۱	۸	۲/۶۶۹	۲/۳۷۷	۰/۰۱۹
۶	وجود اطلاعات و دانش تخصصی لازم در رشته تحصیلی برای اشتغال در دروس تخصصی	۴	۴۶	۴۰	۱۰	۲/۴۲۹	-۱/۱۰۹	۰/۲۷۰
۷	آموزش مهارت‌های موفقیت در مصاحبه-های شغلی و نوشتن پیشینه علمی(cv) در دوره کارشناسی	۵۵	۳۷	۶	۲	۳/۴۶۵	۱۵/۹۹۸	۰/۰۰۰
۸	برقراری رابطه منطقی بین نیازهای بازار کار و آموزش از سوی اساتید	۴	۲۶	۵۱	۱۹	۲/۱۲۰	-۵/۷۷۱	۰/۰۰۰
۹	آموزش مهارت‌های شغل‌یابی در دوره آموزشی	۴۴	۵۱	۵	-	۳/۳۹۳	۱۷/۳۷۹	۰/۰۰۰
۱۰	آگاهی اساتید دانشکده من از نیازهای بازار کار	۴	۳۰	۴۵	۲۱	۲/۱۵۸	-۴/۸۸۶	۰/۰۰۰

ارقام جدول فوق حاکی از نگرش متوسط و تا حدی پایین فارغ‌التحصیلان، نسبت به چگونگی ارتباط (تناسب) برنامه درسی با اشتغال است. این نتایج نشان می‌دهد که دانشجویان، به قوت، معتقدند در صورتی که محتوای دروس با نیازهای جامعه انطباق می‌داشت، آنها در یافتن شغل بسیار موفق بودند. ضمناً

فارغ‌التحصیلان حتی در مورد دروس کارورزی، معتقد به عدم تأثیر آنها در شغل‌یابی بوده‌اند. در عین حال باز هم معتقدند که این دروس، در دوره کارشناسی، بایستی افزایش یابد. اگرچه فارغ‌التحصیلان با توجه به پاسخ به پرسش ۵ تا حدی به کاربرد دروس تخصصی در شغل‌شان معتقد بوده‌اند (X=۲/۶۶)، لکن با توجه به پاسخِ تا حدی منفی به گویه دیگر، مبنی بر اعطای اطلاعات و دانش تخصصی لازم به فارغ‌التحصیلان (X=۲/۴۲)، می‌توان نتیجه گرفت که مجموع نظرات فارغ‌التحصیلان، در مورد تناسب دانش تخصصی کسب شده و شرایط احراز مشاغل، به نوعی توافق، چه در جهت مثبت، چه در جهت منفی، نائل نشده است. توضیح بیشتر آن که در مورد هر دو گویه، هیچ کدام از دو طرف طیف از ۰/۶۰ تجاوز نکرده است و تفاوت معناداری با میانه طیف(X=۲/۵) ندارد. ضمن آن‌که نتایج را می‌توان این‌گونه تفسیر نمود که فارغ‌التحصیلان، معتقد به کاربرد دروس تخصصی هستند؛ اما چندان معتقد به ارائه مطلوب آنها نبوده‌اند. پاسخ به پرسش مرتبط با تفاوت محتوای دوره کارشناسی با انتظار کارفرمایان (گویه۳) نیز نشان دهنده عدم توافق نظر فارغ‌التحصیلان، راجع به مقوله کلی تناسب برنامه درسی با اشتغال است.

اما در زیر مقوله بعدی، یعنی آموزش‌های معطوف به اشتغال ارائه شده توسط اساتید، نتایج مذکور در جدول، حاکی از وضعیت بسیار نامطلوبی است؛ زیرا فارغ‌التحصیلان با اتفاق نظر بسیار بالایی معتقد به «عدم آموزشِ مهارت‌های موفقیت در مصاحبه‌های شغلی»، «عدم آموزشِ مهارت‌های شغل یابی» و «عدم ایجاد رابطه منطقی بین آموزش ارائه شده توسط اساتید و بازار کار» هستند.

۵- بررسی دیدگاه فارغ‌التحصیلان درخصوص نقش فضای دانشگاه و پرورش مهارت‌های کارآفرینی

جدول ۱۵: نمایش درصد و مقایسه میانگین دیدگاه فارغ التحصیلان درخصوص نقش دانشگاه در پرورش مهارت‌های کارآفرینی با میانه طیف (X=۲/۵)

ردیف	گویه	کاملاً موافق	موافق	مخالف	کاملاً مخالف	mean	t	Sig
۱	پرورش مهارت‌های مدیریت و راهبری توسط دانشگاه	۴	۴۱	۳۹	۱۶	۲/۳۲۰	۲/۶۳۰-	۰/۰۱۰
۲	ایجاد و پرورش مهارت‌های فنی و عملی متناسب با رشته	۶	۴۸	۳۴	۱۲	۱/۷۵۲	۱۱/۷۰۴-	۰/۰۰۰

۳	کارآیی رشته در ایجاد تعهد و مسئولیت در کار	۱۱	۵۶	۳۰	۳	۲/۷۶۳	۴/۴۲۳	۰/۰۰۰
۴	کارآیی رشته در ایجاد و پرورش پشتکار شغلی	۶	۳۷	۴۶	۱۱	۲/۳۷۳	-۱/۸۸۵	۰/۰۶۲
۵	کارآیی رشته در ایجاد و پرورش اعتماد به نفس	۱۲	۴۲	۴۰	۶	۲/۶۰۱	۱/۴۹۸	۰/۱۳۷
۶	کارآیی رشته در پرورش حس قدردانی نسبت به کار	۱۲	۵۴	۳۴	-	۲/۷۷۰	۴/۷۶۵	۰/۰۰۰
۷	تاثیر تحصیل در ریسک‌پذیری و جرات-ورزی	۸	۵۵	۳۲	۵	۲/۶۶۱	۲/۶۲۶	۰/۰۱۰
۸	ایجاد و پرورش مهارت‌های خلاقیت و حل مسئله	۵	۴۰	۴۹	۶	۲/۴۴۸	-۰/۸۵۴	۰/۳۹۴
۹	آموختن مهارت‌های ارتباط و کارگروهی	۱۱	۴۲	۴۰	۷	۲/۵۷۳	-۱/۰۷۵	۰/۲۸۵

در مقوله پرورش کارآفرینی، هشت ویژگی از ویژگی‌های کارآفرینان مورد پرسش قرار گرفت. نتایج آماری نشان می‌دهدکه فارغ التحصیلان در سه مورد؛ «پرورش تعهد و مسئولیت پذیری»، «پرورش حس قدردانی نسبت به کار» و «پرورش روحیه ریسک‌پذیری و جرأت‌ورزی» تا حدی نظر موافق ابراز داشته‌اند و در سایر گویه‌ها نیز نتایج حاکی از آن است که نظر فارغ التحصیلان تفاوت معناداری با میانه طیف ندارد و به بیان دیگر در سایر موارد، نظیر مهارت‌های ارتباط و کارگروهی، خلاقیت، حل مسئله و پشتکار شغلی نیز حداقل، می‌توان چنین نتیجه گرفت که وضعیت، نامطلوب ارزیابی نشده است. فقط در یک مورد «مدیریت و راهبری»، نظر دانشجویان به طور معناداری منفی (پایین‌تر از میانه طیف) می‌باشد. با نگاهی دیگر، اگر سطح انتظار بالاتری از فارغ‌التحصیلان داشته باشیم و نقطه (X=۳) یعنی موافق را ملاک قرار دهیم، در تمام موارد یاد شده، نتایج حاکی از عدمِ نیل به وضعیت مطلوب از نظر آنان است. بنابراین در مجموع وضعیت مقوله پرورشِ کارآفرینی از نظر فارغ‌التحصیلان را می‌توان متوسط - و نه حد انتظار- ارزیابی نمود.

تفسیر و با هم نگری یافته‌ها

براساس آمار به‌دست آمده، درصد بیکاران در میان فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی حدود۳۶٪ است[۱] . البته باید توجه داشت که حدود ۴۰٪ از افراد بیکار (حدود ۱۴٪ از کل افراد) به دلایلی نظیر ادامه تحصیل و یا شرایط خانوادگی به‌دنبال کار نبوده‌اند. بنابراین حدود ۲۱٪ افراد علی‌رغم تلاش در دوره چهارساله (از زمان فارغ‌التحصیلی تا زمان انجام پژوهش) موفق به یافتن شغل ثابتی نشده‌اند. اگر بپذیریم که فارغ التحصیلان دانشگاه فردوسی مشهد، از لحاظ علمی حداقل در حد متوسطِ فارغ‌التحصیلان کشورمان قرار دارند. باید اذعان کنیم که حجم بسیار عظیمی از فارغ‌التحصیلان رشته‌های دانشکده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی سراسر ایران، به‌خصوص در دو رشته علوم تربیتی و کتابداری، بیکار هستند. لازم به ذکر است که فارغ‌التصیلان رشته روان‌شناسی به‌طور معناداری در شغل‌یابی موفق بوده‌اند، البته این امر را نباید به برتریِ خاص فارغ‌التحصیلان رشته روان‌شناسی بر دو رشته دیگر نسبت داد؛ چرا که شرایط بازار کار و قوانین استخدامی بسیار اثرگذار است[۲]. نکته دیگر قابل توجه آن که، درصد بیکاران در گروه زنان بیشتر از مردان است و آزمون آماری مربوط نیز به قوت، معناداری تفاوت بین مرد و زن را در اشتغال تأیید کرد. البته در این ارتباط باید به نسبتِ کم مردان به کل جمعیت دانشجو (کمتر از ۲۲٪) توجه داشت. به‌طور طبیعی بسیاری از فرصت‌های شغلی معطوف به جنس است و بنابراین فرصت‌های شغلی برای مردان، به نسبت زنان، بسیار بیشتر بوده است. به بیان دیگر، اگر تعداد فارغ‌التحصیلان مرد و زن یکسان بود، چه‌بسا درصد اشتغال مردان با زنان تفاوت معناداری نداشت. ضمناً باید توجه داشت که حدود ۱۰٪ افراد بیکار، همگی از فارغ التحصیلان زن، بوده‌اند، که با توجه به موارد مختلف، مثلاً تشکیل خانواده، اصلاً دنبال کار نبوده‌اند.

نکته قابل تأمل دیگر، نسبت بسیار بالای افراد شاغل (بیش از ۵۰٪ افراد) است که از طریق آزمون‌های استخدامی، مشغول به کار شده‌اند. این مسأله نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی و تصمیم سازی‌های مجلس و دولت تا چه حد می‌تواند سرنوشت شغلی فارغ التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی را تحت تأثیر قرار دهد. در همین ارتباط، تحلیل پاسخ‌های ارائه شده به پرسش‌های باز نشان می‌دهد که

[۱]. باید توجه داشت که بیش از نیمی از فارغ التحصیلان در تحقیق مشارکت کردند، این مسأله نوعی احتیاط را در تفسیر نتایج الزامی می‌کند. اما براساس این اطلاعات، از هر پنج نفر حدود یک نفر (۲۰٪) از افراد، مشکل عدم اشتغال دارند (که حداقل، بدبینانه‌تر از برداشت عمومی از مشکل اشتغال فارغ التحصیلان نیست).

[۲] به عنوان مثال چه بسا در آینده با صدور یک دستورالعمل مجلس شورای اسلامی مبنی بر ضرورت به کارگیری کتابدار در تمام مدارس، تمام فارغ التحصیلان رشته مذکور شاغل شوند.

حداقل ۴۵٪ کل افراد در آموزش و پرورش مشغول به کار شده‌اند و اگر تغییری در سیاست‌های جذب آموزش و پرورش ایجاد شود، در سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان جدید رشته‌های مذکور بسیار موثر خواهد بود. ضمناً نقش ارتباطات فامیلی و غیر آن در کاریابی بسیار قابل ملاحظه است؛ به‌گونه‌ای که حدود ۲۵٪ درصدِ افراد از طریق این ارتباطات مشغول به کار شده‌اند. در مجموع به نظر می‌رسد، تحلیلِ مساله‌ی نحوه پیدا کردن شغل، نگران کننده باشد؛ چرا که نسبت افراد دارای خود اشتغالی کمتر از ۵٪ است. می‌توان نتیجه گرفت که به‌طور کلی فارغ التحصیلانِ این رشته‌ها، عمدتاً منتظرِ استخدام در مراکز دولتی و نیمه دولتی و بعضاً خصوصی هستند و بنابراین بسیار کم توانسته‌اند در اشتغال آفرینی برای خود و دیگران موثر باشند.

نکته دیگر این‌که، ملاحظه می‌شود برحسب جنسیت، رشته تحصیلی، داشتن کار دانشجویی و عضویت در تشکل‌های دانشجویی، تفاوت‌هایی از نظر میزان اشتغال، احساس ثبات شغلی و دارا بودن شغل ثابت وجود دارد (و برخی متغیرها شامل نوع دیپلم، انگیزه ورود به دوره کارشناسی، معدل و سن تفاوتی را ایجاد نکرده‌اند)؛ اما به هر روی مجموع متغیرهای مورد بحث به لحاظ آماری نتوانسته‌اند پیش‌بینی کننده‌ی با اهمیتی برای شاغل بودن فرد باشند*. شاید بتوان از عدم پیش‌بینی‌پذیری اشتغال توسط متغیرهای پیش‌گفته چنین نتیجه گرفت که افراد با هر جنسیت، رشته تحصیلی، نوع دیپلم، سن و ...، می‌توانند با تلاش فردی، تبدیل به یک شاغل موثر شوند و اشتغال در کشور ما، بیش از هر چیز به تلاش‌های خود فرد مرتبط خواهد بود. (البته باید پذیرفت که براساس نتایج، قوانین استخدامی به طورکلی بر ضریب اشتغال کل فارغ‌التحصیلان موثر بوده است، ولی در مقایسه میان فردیِ فارغ‌التحصیلان، تلاش فردی بسیار موثر خواهد بود[1]).

تحلیلِ پاسخ‌ها به پرسشنامه، حاوی نکاتِ بسیار جالبی است. فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم‌تربیتی و روان‌شناسی از شرایط اجتماعیِ مرتبط با کار، ارزیابی خوبی نداشته‌اند؛ به‌طوری که از نظر اکثریت مطلق این افراد شانس و داشتن ارتباطات اجتماعی، مهمتر از "مهارت داشتن" ارزیابی شده است. تلقی منفی دانشجویان نسبت به شرایط اجتماعیِ فضای اشتغال، می‌تواند نتایج نامطلوبی را در برداشته باشد. مثلاً اگر فارغ‌التحصیلان به اولویت داشتن ارتباطات و شانس بر "تلاش" در راستای کسب شغل معتقد باشند، به‌طور

---

* مجموعاً ۱۸٪ واریانس متغیر ملاک، از سوی متغیرهای پیش‌بین، تبیین شده است.

[1]. لازم به یادآوری است که به علت محدودیت هایی، تأثیر عامل "آشنا داشتن" یا "پارتی داشتن" در این تحقیق به عنوان یک متغیر پیش بینِ احتمالی مورد بررسی قرار نگرفت و تحلیل ارائه شده در بالا بدون لحاظ این عامل، مورد پذیرش خواهد بود.

طبیعی در پی افزایش توانایی و مهارت‌های خود پس از فارغ‌التحصیلی نخواهند بود. این مسأله در یکی از گویه‌های تست نگرش‌سنج مورد تأیید قرار گرفته است. چنانچه حدود ۸۰٪ فارغ‌التحصیلان اذعان داشته‌اند که جوانان در کسب مهارت‌های لازم برای اشتغال کوتاهی می‌ورزند.

فارغ‌التحصیلان مذکور همچنین تصویری کاملاً منفی راجع به زمینه‌سازی ارتباطی دانشگاه در جهت اشتغال در ذهن دارند. به‌گونه‌ای که اکثریت مطلق افراد ابراز می‌دارند، در دانشگاه مقدمات آشنایی با نیازهای بازار کار و سایر موارد لازم ابداً فراهم نبوده است. تحلیل پاسخ‌های فارغ‌التحصیلان در مقوله‌های تناسبِ برنامه‌های درسی و آموزش اساتید با اشتغال و نقشِ فضای دانشگاه در پرورش مهارت‌های کارآفرینی نشان می‌دهد که از نظر پاسخ‌دهندگان، شرایط در این دو مقوله تا حدی مثبت‌تر از دو مقوله پیشین است (اگرچه در این دو مقوله نیز شرایط را نمی‌توان "مطلوب" ارزیابی نمود).

به‌عنوان نشانه‌هایی از نگرش نسبتاً مثبت دانشجویان، می‌توان به سه میانگین پاسخ‌های دانشجویان در گویه‌های پرورش تعهد و مسئولیت‌پذیری، پرورش حس قدردانی نسبت به کار و پرورش روحیه ریسک‌پذیری و جرأت‌ورزی اشاره داشت. چرا که در هر سه این موارد میانگین‌ها به‌طور معناداری از میانه طیف (X=۲/۵) بیشتر هستند (اگر چه همچنان که گفته شد هر سه مورد از نقطه مطلوب (X=۳) به طور معناداری پایین‌تر هستند).

در مورد نگاه فارغ‌التحصیلان به مهارت‌های خودشان، وضعیت نگرش را می‌توان تا حدی مثبت‌تر از دو مقوله قبلی – البته نه کاملاً مطلوب– توصیف نمود. لازم به ذکر است اعتمادِ بالای فارغ‌التحصیلان به خودشان در جهت احراز شغل در سطوح بالا (X=۳/۲۲)، علی‌رغم آن که این افراد معتقدند دانشگاه در جهت آماده‌سازی تمهیدات لازم در ارتباط با بازار کار موفق عمل نکرده است و برنامه‌ها و آموزش‌های اساتید نیز چندان در جهت آشناسازی آنها با بازار کار موفق نبوده است، کمی عجیب به نظر می‌رسد. توضیح آنکه اگر بپذیریم، اعتماد بالای فارغ‌التحصیلان به توانایی‌شان، برای حضور در مراتب بالای شغلی، حاصلِ حضور در دانشگاه است، گویا نتیجه‌ای در دانشجویان حاصل شده که مقدمات آن فراهم نبوده است! اگر پدیدآیی یافته‌های مثبت مقوله کارآفرینی را هم به این تحلیل اضافه کنیم*، احتمالاً باید بپذیریم که نفسِ حضور در دانشگاه و تعاملات اجتماعی مختلف آن، توانسته است ویژگی‌های مثبتی را در جهت اشتغال در افراد بپروراند. این تفسیر با یافته‌های سعیدی، حسینی قصر و علیزاده (۱۳۸۱) مبنی بر پرورش اعتماد به نفس در دانشجویان دانشکده علوم‌تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد هماهنگی دارد.

* دیدگاه مثبت به پرورش تعهد و مسئولیت‌پذیری، حس قدردانی نسبت به کار و پرورش روحیه ریسک‌پذیری.

اما با برداشتِ منفی از آنچه بیان شد، شاید بتوان یافته‌ی مذکور- اعتماد به نفس بالا - را نوعی اعتماد به نفس کاذب دانست. با این نگاه می‌توان چنین تحلیل کرد که فارغ‌التحصیلان براساس یافته‌های مختلف این تحقیق، مقدمات و آموزش‌های لازم برای تعامل و ارتباط موثر با بازار کار را در اختیار نداشته‌اند و براساس یکی از گویه‌ها، تلاشی در جهت افزایش مهارت‌های معطوف به شغل نیز نمی‌نمایند، در عین حال، خود را شایسته پذیرش مسئولیت‌های بالای شغلی می‌دانند! بنابراین باید گفت خودِ این اعتماد بالا نیز نشانه‌ای از ضعف بینش آنان می‌باشد.

لازم به ذکر است که مقایسه یافته‌های این پژوهش با پژوهش سعیدی، محمد حسین‌زاده و باغگلی(۱۳۸۶) راجع به سرنوشت شغلی دانشجویان دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد، به شدت گواه بر تفاوت عمده این دو دانشکده به‌خصوص در بُعد ایجاد تمهیدات لازم برای اشتغال است. براساس پژوهش مذکور فارغ‌التحصیلان دانشکده مهندسی نظرات مثبتی را در پاسخ به گویه‌های مختلفِ معطوف به ارتباط دانشکده و جامعه (بازار کار) ابراز داشته‌اند. شواهد بیرونی نظیر مقایسه تعداد طرح‌های اینترنشیب، مقایسه بازدیدهای علمی، مقایسه تعداد دعوت از کارفرمایان و کارآفرینان برای ارائه سخنرانی در دو دانشکده مزبور، نیز نشان دهنده تفاوت عظیم عملکرد این دو دانشکده در جهت زمینه‌سازی برای اشتغال فارغ‌التحصیلان‌شان می‌باشد.

نتیجه‌گیری نهایی

مجموع یافته‌ها، فارغ از تفسیر وضعِ موجودِ نسبتِ شاغلان به بیکاران، حکایت از نوعی وضعیت شکننده دارد. همچنان که بیان شد درصد بسیار معتنابهی از فارغ‌التحصیلان شاغل، توسط دوایر دولتی و به‌ویژه آموزش و پرورش جذب شده‌اند. بنابراین هر نوع تغییر در سیاست‌های اقتصادی و استخدامی دولت به شدت بر وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم‌تربیتی و روان‌شناسی موثر خواهد بود. از سوی دیگر کاستی‌هایی نظیر عدم دغدغه اشتغالِ فارغ التحصیلان از سوی مسئولان و اساتید دانشکده، بنا به تصریح اکثریت مطلق افراد، باعث شده است که کارآفرینی و خود اشتغال‌زایی در فارغ‌التحصیلان بسیار کم روی دهد و این امر، خود به وخامت اوضاع کمک می‌کند.

منابع

آهنچیان، محمدرضا. (۱۳۸۲). بهره‌وری و مسئله اشتغال دانش‌آموختگان مراکز آموزش عالی {چکیده}. *مقاله ارائه شده در اولین همایش ملی اشتغال و نظام آموزش عالی کشور*، تهران، ۳۷۷.

پورحقیقی زاده، محمد باقر؛ خادمی، محسن. (۱۳۸۳). بررسی میزان فایده درس‌های اصلی و تخصصی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی از نظر فارغ‌التحصیلان دانشگاه شیراز شاغل در آموزش و پرورش. *دانش و پژوهش در علوم تربیتی*، ۱ (۱)، ۵۶-۴۳.

جوادی، حمیدرضا؛ آصف‌زاده، سعید؛ مشاطان، مهری. (۱۳۸۱). موقعیت شغلی دانش‌آموختگان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ۶ (۲)، ۳۲-۲۴.

سعیدی رضوانی، محمود؛ محمدحسین‌زاده، معصومه؛ باغگلی، حسین(۱۳۸۶). تحلیل سرنوشت شغلی دانش-آموختگان رشته مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد. مقاله ارائه شده در کنفرانس آموزش مهندسی در ۱۴۰۴، تهران.

سعیدی رضوانی، محمود؛ حسینی‌قصر، صغری؛ علیزاده، مرتضی. (۱۳۸۱). تبیین آموخته‌های غیررسمی دانشجویان دانشکده علوم‌تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. طرح پژوهشی منتشر نشده، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه فردوسی مشهد.

صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۸۵). وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان زن: مطالعه‌ای موردی. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۲ (۲)، ۶۰-۴۱.

محمدزاده، مهناز؛ پزشکی‌راد، غلامرضا؛ چیذری، محمد؛ (۱۳۸۵). وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان آموزش‌های علمی –کاربردی در بخش کشاورزی. پژوهش و برنامه‌ریزی درآموزش عالی، ۱۲ (۱)، ۹۸-۷۹.

ملکوتیان، محمد. پرورش، عبدالرحیم. (۱۳۸۲). بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته بهداشت محیط سراسر کشور طی سال های ۸۲-۷۵. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان (ویژه نامه آموزش پزشکی)، ۴۰ -۳۳.

نیکخواه، محمد. (۱۳۸۳). تحلیلی بر کارایی بیرونی شاخه فنی و حرفه‌ای آموزش متوسط شهرستان شهرکرد طی سال‌های ۸۰-۷۵. مقاله ارائه شده در همایش نقش آموزش‌های فنی وحرفه‌ای در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی {چکیده}. مازندران.

Bracey, G. W. (2006). Students do not need high-level skills in today's job market. *Education Digest: Essential Readings Condensed for Quick Review.* Vol 72, Issue 4. P: 24-28.

Budria, Santiago. & Pereira, Pedro T. (2008). The Contribution of Vocational Training to Employment, Job-Related Skills and Productivity: Evidence from Madeira Island. *IZA Discussion Papers 3462, Institute for the Study of Labor (IZA)*.

European Commission. (2008). Best proceder project: Entrepreneurship in higher education, especially within non-business studies. final report of the expert group. European Commission. Enterprise and Industry Directorate-General. Promotion of SMEs competitiveness. Entrepreneurship. http://ec.europa.eu/enterprise/policies/sme/files/support_measures/training_education/entr_highed_en.pdf (*accessed febreyeh 1,2011).*

Hamerlinck, J. & Emery, M. (2006), Entrepreneurship: A unique opportunity for higher education. NCRCRD Policy Briefs. North Central Regional Center for Rural Development. P: 1-4.

Hyman, M.R. & Hu, J. (2005). Assessing faculty beliefs about the importance of various marketing job skills. *Journal of Education for Business.* Vol 81, Issue 2. P: 3-18.

Ives, B. & Valacich J. & Watson T.R. (2002). What every business student needs to know about information systems. *Communications of the Association for Information* Systems, Volume 9, pp: 467- 477.

Karanassios, N. & Pazarskis, M. & Mitsopoulos, K. & Christodoulou, P. (2006). EU strategies to encourage youth entrepreneurship: evidence from higher education in Greece. *Industry and Higher Education*. Vol 2۰, Issue ۱. P: 43-50.

Taatila, V. P. (2010). Learning entrepreneutship in higher education. *Education & Training*. Vol 52, Issue ۱. P: 48-61.